

## بازشناسی ردیه‌های اندیشه‌گران جهان اسلام بر ادعاهای ارنست رنان

نصراالله صالحی<sup>۱</sup>

**چکیده:** ارنست رنان، دانشمند و خاورشناس فرانسوی، با ایراد یکی از بحث برانگیزترین خطابه‌های خود با عنوان «اسلام و علم» در دانشگاه سوربن (۲۳ مارس ۱۸۸۳م)، و سپس انتشار آن در ژورنال د دبا (*Journal des Debats*) آغازگر یک رشته مباحثات فکری و مجادلات قلمی در جهان اسلام و غرب شد. خطابه‌ی رنان، در مدت کوتاهی به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، و بعد عربی، ترکی، اردو و فارسی ترجمه شد. اندیشه‌گران جهان اسلام، از سیدجمال‌الدین اسدآبادی که در پاریس اقامت داشت، تا اندیشه‌گران دیگری نظیر نامق کمال، رشید رضا، عبدالرزاق، عطاءالله بایزید اوف، محمد حمیدالله، جلال نوری و دیگران، در پاریس، مصر، عثمانی، قازان، هند و پاکستان اقدام به نوشتن ردیه‌های متعددی بر ادعاهای ارنست رنان کردند. خود این ردیه‌ها بعدها به یکی از موضوعات مهم پژوهشی پیرامون شخصیت فکری سیدجمال‌الدین اسدآبادی تبدیل شد. با این حال، در ایران، این مسئله، هنوز ناشناخته است. در هیچ منبع فارسی، بجز ردیه‌ی سیدجمال، نمی‌توان سراغی از ردیه‌های دیگر گرفت. در حالی که بیشتر ردیه‌های مذکور، از دوره‌ی عثمانی، به زبان ترکی ترجمه و یا تألیف شده است. در این مقاله، برای نخستین بار مهم‌ترین ردیه‌های متفکران جهان اسلام، مورد بررسی و بازشناسی قرار گرفته است. مقاله، عمدتاً با استفاده از منابع ترکی عثمانی و ترکی استانبولی، به رشته‌ی تحریر درآمده است.

**واژه‌های کلیدی:** ارنست رنان، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اندیشه‌گران جهان اسلام، اسلام و علم، ردیه

## مقدمه

ارنست رنان (Ernest Renan) خاورشناس معروف فرانسوی، در سال ۱۸۲۳م، در شمال فرانسه به دنیا آمد. نه سال اول تحصیلاتش را در زادگاه خود به پایان رسانید و از سال ۱۸۳۸م، به پاریس رفت و در جرگه‌ی طلاب علوم الهی درآمد. اما کم‌کم تحت تأثیر متفکران آلمانی، از مذهب کاتولیک فاصله گرفت و با پشتیبانی خواهر خود از خدمت به کلیسا چشم پوشید. بعد از آن، در دانشگاه به تحصیل در رشته‌های فلسفه، فقه اللغه و تاریخ ادامه داد و به سال ۱۸۵۲م، رساله‌ی دکتری خود را که درباره‌ی *ابن رشد* و مکتب وی نگاشته بود، به پایان برد. رنان، بعدها بارها به مصر، آسیای صغیر و یونان سفر کرد تا به تکمیل مطالعات خود بپردازد. وی تا پایان زندگی، به تحقیق و نگارش مشغول بود و آثار گوناگون و متعدد وی به دلیل وسواس تاریخی او شهرت دارد. رنان در سال ۱۸۹۲م، در پاریس درگذشت.<sup>۱</sup>

رنان در ۲۹ مارس ۱۸۸۳م، یکی از بحث برانگیزترین خطابه‌های خود، با عنوان «اسلام و علم» (*L'Islam et la Science*) را در دانشگاه سوربن ایراد کرد. این خطابه، که در مجله‌ی *دبا (Journal Des Debats)* (مباحثات) منتشر شد، اندکی بعد از انتشار؛ به یکی از مناقشه برانگیزترین مسائل فکری میان جهان اسلام و غرب تبدیل شد. خطابه‌ی مزبور اندکی بعد از انتشار، ابتدا به زبان‌های عربی، آلمانی و روسی، و بعد از مدتی، به زبان‌های ترکی، انگلیسی و فارسی، ترجمه شد.<sup>۲</sup> اندیشه‌گران مسلمان در واکنش به این خطابه،

۱ برای آگاهی بیشتر درباره‌ی زندگی و اندیشه‌های رنان، نک: مقدمه‌ی رامین کامران (*ایران شناسی*)، س ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۶۸، ۷۲۷-۷۲۶، ابوالقاسم سبحان، ۲۵۳۶، ۲۹۶-۲۹۵؛ و نیز دوجانه جوندی اوغلو در مقاله‌ی که پایین تر معرفی می‌شود، به تفصیل به زندگی، آثار و اندیشه‌های رنان (ص ۹ تا ۲۵) پرداخته است.

۲ خطابه‌ی رنان خیلی دیرتر از کشورهای عربی و ترکیه و خیلی دیرتر از بقیه‌ی زبان‌ها به فارسی ترجمه شد. ترجمه‌ی کامل متن خطابه، نخستین بار از سوی محمد علی جمال زاده به فارسی ترجمه شد و در اثنای جنگ جهانی اول در حلقه‌ی نویسندگان روزنامه‌ی *کاوه* در برلین قرائت شد، اما در جایی چاپ نشد، تا اینکه حدود ۶۰ سال بعد، خطابه‌ی مزبور به خواهش مترجم، از سوی علی اصغر حلبی در پایان کتاب او به صورت مستقل منتشر شد. (نک: علی اصغر حلبی، ۲۵۳۶، ص ۱ تا ۳۱). کتاب مزبور با اینکه یک بار دیگر در سال ۱۳۸۳ از سوی همان ناشر تجدید چاپ شده است، قسمت ضمیمه که متن کامل خطابه‌ی رنان و جواب سید جمال به او است؛ بدون هیچ توضیح، حذف شده است. گفتنی است که خطابه‌ی مزبور همراه با جوابه‌ی سید جمال الدین اسدآبادی، از سوی سید هادی خسروشاهی نیز با این مشخصات به چاپ رسیده است: *گفتار سید جمال الدین اسدآبادی و ارنست رنان درباره‌ی اسلام و علم*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، بی نا، تبریز، ۱۳۴۸. گفتنی است که خطابه‌ی رنان با کمی تلخیص و بدون اشاره به عنوان اصلی خطابه، با عنوان «درباره‌ی علوم عربی و اسلامی»، از سوی رامین کامران ترجمه و در *فصلنامه‌ی ایران شناسی* (س ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۶۸، ص ۷۴۰-۷۲۶) که در آمریکا چاپ می‌شود، منتشر شده است.

اقدام به نوشتن رذیه‌های متعدد در نقاط مختلف جهان اسلام کردند؛ حتی برخی از خاورشناسان اروپایی نیز رذیه‌هایی در این باره به نگارش در آوردند.<sup>۱</sup>

رنان در خطابه‌ی مبسوط خود، ابتدا به وضعیت موجود مسلمانان و کشورهای اسلامی اشاره‌ی مختصری می‌کند و می‌گوید: «هر کس اندک بصیرتی به اوضاع عهد حاضر داشته باشد، به آسانی پستی مقام کنونی ممالک اسلامی و تنزل و زوال دولت‌های اسلامی و هم‌فقدان صرف معنویات را در طوایف و اقوامی که تعلیم و تربیت آنها به طور انحصاری از اسلام است، می‌تواند ملاحظه نماید. تمام اشخاصی که در مشرق زمین و یا در افریقا بوده‌اند، از تنگ نظری، فقر حالت روحیه‌ی هر مسلمان صادقی تعجب نموده و چنان به نظر آنها آمده که گویا یک حلقه‌ی آهنین مغز هر مسلمانی را می‌فشارد و در مقابل نور علم و معرفت تمام منافذ آن را سد می‌نماید و نمی‌گذارد رمقی از افکار جدید بدان رخنه نماید» (حلبی، ۲۵۳۶، ۷).

رنان بعد از اشاره‌ی مزبور، وارد بحث مربوط به نسبت میان اسلام و علم، و نسبت قوم عرب و دیگر اقوام مسلمان با علم می‌شود و در طول خطابه‌ی خود، به طرح ادعاهایی که تا آن زمان از سوی کسی به صراحت در یک مجمع علمی مطرح نشده بود، می‌پردازد. در مجموع، مهم‌ترین ادعاهای ارنست رنان که موجب بروز واکنش‌های زیادی از سوی منتقدین گردید، به سه محور اصلی تقسیم می‌شود:

۱. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهاتی که مورخان مرتکب شده‌اند، این است که در نوشتن تاریخ اسلام و جوامع اسلامی تعابیر و مفاهیم را به گونه‌ای دقیق به کار نبرده و لذا در نوشته‌های خود از تعابیر «علوم عرب و فلسفه‌ی عرب و صنایع عرب و علوم اسلام و تمدن اسلام» سخن گفته‌اند، حال آنکه چنین تعابیری در اصل اشتباه و از خطاهای رایج بوده است. بنابراین، نسبت دادن علوم، فلسفه و صنایع به قوم عرب و اسلام خطاست؛ زیرا آنچه از آن به عنوان تمدن عرب یا اسلام یاد می‌شود، بیشتر محصول اندیشه‌ی ایرانیان، حرانیان و نسطوریان است.

۱ دوجانه جوندی اوغلو، در تحقیق بسیار مفصل خود و چهار صفحه‌ی خود که در سال ۱۹۹۶ در استانبول منتشر کرده، کتاب‌شناسی تمام رذیه‌های نوشته شده را آورده و تک تک آنها را معرفی و بررسی کرده است. مشخصات مقاله‌ی مزبور در فهرست منابع آمده است. جوندی اوغلو در همین زمینه، مقاله‌ی مختصر دیگری نیز نوشته و در پایان آن، کتاب‌شناسی مذکور را فهرست وار آورده است. رجوع کنید به فهرست منابع.

۲. قوم عرب، بنا بر سرشت بادیه نشینی، از ابتدا با چیزی به نام فلسفه و تفکر نظری کاملاً بیگانه بوده است. بنابراین مجموع فلسفه‌ای که چون به زبان عربی نوشته شده، معمولاً فلسفه‌ی عرب نامیده می‌شود؛ در واقع باید فلسفه‌ی یونان و ساسانیان نامیده شود، و حتی بایستی آن را تنها فلسفه‌ی یونان خواند. چون که عنصر مهم و اصلی آن فقط یونان است. بنابراین، علمی که به علوم عرب شهرت یافته‌است، از عرب چیزی ندارد، جز زبان عربی.

۳. حال که معلوم شد علوم مذکوره، علوم عرب نیست؛ آیا دست کم علوم اسلامی هست یا نه؟ و آیا اسلام به تبعات علمی مذکوره مساعدتی نموده است؟ جواب به کلی منفی است. زیرا تألیفات مزبوره سرتا پا محصول فرهنگ و اندیشه‌ی زرتشتی‌ها، مسیحی‌ها، یهودی‌ها، حرّانی‌ها، اسماعیلی‌ها و مسلمانانی است که باطناً بر ضد دین اسلام هستند. علوم مزبوره، چیزی که از مسلمان‌های متشرع و واقعی دارد، طعن و لعن است و لاغیر. پس معلوم شد که در حقیقت اسلام همواره دشمن علم و فلسفه بوده و عاقبت با چنگال تعصب خود علم و فلسفه را خفه نموده است. زیرا اسلام به هر کجا که دست یافت، روح آزاد و افکار فلسفی را فلج نمود و از میان برد (حلبی، ۲۵۳۶، ۷ تا ۱۷).

چنان که پیشتر اشاره شد، خطابه‌ی رنان بعد از انتشار؛ موجب بروز واکنش‌های زیادی از سوی خاورشناسانی نظیر چارلز میسمر، گوستاو لوبن، لویی ماسینیون، دیولافوا و ریموند شد. جدای از آنها، متفکران جهان اسلام، نظیر سیدجمال‌الدین اسدآبادی، حسن عاصم افندی و ابن رشاد علی فروخ در پاریس؛ امیر علی و محمد حمیدالله در هند؛ جلال نوری و نامق کمال در عثمانی؛ عطاءالله بایزید اوف در روسیه؛ احمد رضا، رشید رضا و محمد عبده در مصر؛ از جمله‌ی اندیشه‌گرانی بودند که خطابه‌ی رنان را از جنبه‌های مختلف نقد کردند و اقدام به نوشتن ردیه‌های متعددی نمودند. ردیه‌های اندیشه‌گران مزبور را از جنبه‌های مختلف می‌توان تقسیم و تحلیل کرد. اما در یک تقسیم بندی کلی، می‌توان از دو دسته ردیه نام برد:

(۱) ردیه‌های کسانی که در زمان حیات رنان اقدام به نوشتن کردند. مانند: چارلز میسمر، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عطاءالله بایزید اوف، ابن‌الرشاد فروخ و نامق کمال. از میان ردیه‌های این افراد، تنها نوشته‌ی نامق کمال منتشر نشده باقی ماند؛ ولی مابقی انتشار

یافت. ردیه‌ی میسمر به زبان فرانسه نوشته و چاپ شد. ردیه‌ی سیدجمال و ابن‌الرشاد به عربی نوشته و بعد به فرانسه ترجمه و چاپ شد. ردیه‌ی بایزید اوف به روسی نوشته و به همان زبان منتشر شد. ۲) ردیه‌های کسانی که بعد از مرگ رنان اقدام به نوشتن کردند، از این قرار است: سید امیر علی، جلال نوری، رشید رضا، لویی ماسینیون، محمد حمیدالله و مصطفی یعقوب عبدالنبی (Cüendioğlu, 1996, 26).

خطابه‌ی رنان، علاوه بر اینکه انگیزه‌ای شد برای نوشتن ردیه‌های مختلف، انگیزه‌ی قوی‌تری شد برای پاره‌ای از اندیشه‌گران جهان اسلام به منظور بازاندیشی درباره‌ی نسبت میان «اسلام و علم». از این رو، مقاله‌ها و رساله‌های مستقلی در این موضوع، در برخی کشورهای اسلامی، به‌ویژه ترکیه و مصر، تألیف و منتشر شد.<sup>۱</sup> می‌پردازیم به بررسی برخی از ردیه‌های مهمی که در نقاط مختلف جهان اسلام به نگارش درآمده است.

### ۱. ردیه‌ی سیدجمال الدین اسدآبادی

درست اندکی بعد از انتشار ردیه‌ی چارلز میسمر،<sup>۲</sup> دو مقاله‌ی دیگر نیز منتشر شد. مقاله‌ی اول در هفته‌نامه‌ی خلیل غانم که به عربی با عنوان البصیر در پاریس منتشر می‌شد، تحت عنوان الاسلام و العلم در تاریخ ۳ مه ۱۸۸۳ (sy.78. sh.3) منتشر گردید. نویسنده‌ی مقاله، سیدجمال الدین اسدآبادی بود. وی که در هنگام اقامت در پاریس، ابتدا به طور شفاهی از خطابه‌ی رنان آگاهی یافته بود، اقدام به نوشتن این مقاله نمود. این مقاله نخستین بار توسط هما پاکدامن [ناطق] شناخته شد و از سوی او به فرانسه ترجمه شد (Pakdaman, 1969, 290-291) به نقل از (Cüendioğlu, 1996, 29). سیدجمال، سخنان رنان را واجد «دلایل محکم» و «انتقادات تاریخی» دانسته و اشاره کرده بود که اگرچه سخنان رنان در ظاهر علیه مسلمانان است، اما خود او نسبت به مسلمانان احترام خاص قائل بوده و رفتاری توأم با احترام با آنها داشته است. اما هموطن او چارلز میسمر که اقدام به نقد

۱ برای نمونه: ۱. خالد ایوب ینی‌شهری، *اسلام و فنون*، (در سعادت، ۱۳۱۵)؛ ۲. مصطفی ذهن، *علم و اسلام*، (قسطنطنیه، ۱۳۱۶)؛ ۳. جلال نوری، *آیا اسلام مانع ترقی است؟* (استانبول، ۱۹۱۸)؛ ۴. حمید یازیرالمالی، *اسلام مانع ترقی نیست، ضامن ترقی است*، (استانبول، ۱۹۲۳) و... (نک: Cüendioğlu, 1996, 27)

۲ درست یک ماه بعد از انتشار متن خطابه‌ی رنان، ادعاهای او از سوی هموطنش، میسمر، مورد نقد قرار گرفت. ردیه‌ی مزبور در مجله‌ای با این مشخصات به چاپ رسید:

Revue de la Philosophie Positive (2 serie, T. XXX, 15 annee mai-juin 1883)

برای آگاهی بیشتر درباره‌ی ردیه‌ی میسمر، نک: Cüendioğlu, 1996, 27-29.

رنان کرده، از دایره‌ی انصاف خارج شده است. سیدجمال، سپس به اشتباهات میسر اشاره کرده و از قابلیت‌های ادبی و فلسفی رنان و دفاع او از مسلمانان سخن گفته بود. از دید سیدجمال، علت اصلی نوشتن چنان ردیه‌ای از سوی میسر نشان دهنده‌ی خیر خواهی او نسبت به جهان اسلام است. سیدجمال بعد از مقدمه‌ی خود می‌گوید: به دانشمندی نظیر میسر باید یادآور شد که به طرز رفتار انگلیسی‌ها در هند نسبت به مسلمانان توجه کنند و آن را با سیاست فرانسه نسبت به مسلمانان مورد مقایسه قرار دهند. مقاله‌ی سیدجمال با این جمله خاتمه می‌یابد: «ای اهل اسلام! تو خود به تفاوت رفتار دو ملت انگلیس و فرانسه نسبت به مسلمانان قضاوت نما.»

چنان که پیداست، مقاله‌ی مزبور با اهداف کاملاً سیاسی به رشته‌ی نگارش درآمده است و هدف از آن این است که بگوید رفتار دولت فرانسه نسبت به مسلمانان، در قیاس با رفتار دولت انگلیس، به مراتب بهتر بوده است. وی در این مقاله، به طور گذرا به سخنان رنان اشاره کرده و البته از تأیید آن خوداری نموده بود. بنابراین، موضع اصلی سیدجمال نسبت به خطابه‌ی رنان در این مقاله منعکس نشده بود، بلکه درست ۱۵ روز بعد از انتشار این مقاله است که مقاله‌ای با عنوان «الاسلام و العلم» در ۱۸ مه ۱۸۸۳ در مجله‌ی دبا (مباحثات) از سوی سیدجمال منتشر و در آن اختصاصاً به پاسخ‌گویی به ادعاهای رنان پرداخته شده بود. وی خطابه‌ی رنان را از روی متن عربی مطالعه کرده و خود نیز به عربی مبادرت به نوشتن پاسخ نموده بود (Cündioğlu, 1996, 30). متن پاسخ او از سوی مترجمی ناشناس<sup>۱</sup> با نهایت امانت‌داری به فرانسه ترجمه و در همان مجله‌ی دبا انتشار یافت.

با اینکه ردیه‌ی سیدجمال در میان تمام ردیه‌ها کوتاه و مختصر بوده، اما با این حال، بیش از بقیه‌ی ردیه‌ها، از سوی پژوهشگران مورد توجه و نقد و بررسی قرار گرفته است.<sup>۲</sup> از دید عثمان جیل آجی، پاسخ سیدجمال در میان دیگر ردیه‌ها «علمی‌ترین پاسخی است که به ادعاهای رنان داده شده است» (Cilaci, 1996, 183). وی معتقد است نوع

۱ لوئیس فریمین مُت که در ۱۹۲۱ کتابی درباره‌ی رنان منتشر کرده، معتقد است که مترجم ردیه‌ی سید جمال از عربی به فارسی، احتمالاً خود ارنست رنان بوده است (نک: چوندی اغلو، همان، ۳۱)

۲ از جمله افرادی که پیرامون جواب سید جمال به رنان به تحقیق پرداخته اند، این افراد را می‌توان نام برد: احمد امین، عدنان آدی‌وار، آلبرت حورانی، فضل الرحمن، Elie Kedourie، نیکی کدی، هما ناطق، حسین یورد آیدین، محسن مهدی، جمیل مریچ، محمود ابو ری، عبدالوهاب مرعشلی، حسن دلبر، علی شلیش، Pervez Hoodbhoy، حمید عنایت، علاء الدین یالچین کایا، جمیل آیدین، محمود رشاد. برای آگاهی از نقد و بررسی‌های افراد مزبور، نگاه کنید به: (Cündioğlu, 1996, 78-85).

پاسخی که سیدجمال به رنان داده‌است، تا حد زیادی به شخصیت پیچیده و متضاد سیدجمال بر می‌گردد. زیرا گفتار وی اگرچه در نقد نظرات رنان است، ولی در باطن؛ نوعی هم‌نواپی با آن دارد. همین امر باعث شده‌است تا برخی از ارادتمندان سیدجمال، از نوع پاسخ او اظهار تعجب و حیرت کنند. از جمله مدرسی چهاردهی می‌نویسد: «یکی از رشته‌های تاریک زندگانی سید، انتقاد او بر سخنرانی ارنست رنان است» (مدرسی چهاردهی، ۲۵۳۶، ۷۴). حلبی می‌نویسد: رذیه‌ی سیدجمال «از برخی لحاظ از اصل منحرف بود، و شاید از همین رو اعجاب حسن عاصم و یارانش را برنینگیخت و به ترجمه‌ی آن نکوشیدند و یا آن را منتشر نکردند» (حلبی، ۱۳۸۳، ۲۶).

سیدجمال، در آغاز نوشته‌ی خود، ابتدا از رنان به عنوان «فیلسوف مشهور که صیت آوازه‌ی دانش او در تمام مغرب زمین و حتی در اکناف مشرق زمین پیچیده» یاد می‌کند و سپس خطابه‌ی رنان را دایر بر دو نکته‌ی اساسی می‌داند: یکی اینکه دین اسلام بذاته مانع ترقی علم است، و دیگر آنکه ملت عرب طبعاً اهل عرفان و فلسفه نیست (حلبی، ۲۵۳۶، ضمیمه، ۲۷). سیدجمال در قسمتی از نقد خود می‌نویسد: «اگر حقیقت باشد که اسلام مانعی در ترقی علوم است، باید دانست که این مانع را در یک روز نمی‌توان رفع کرد، ولی در این خصوص چه فرقی مابین اسلام و سایر مذاهب و ادیان است. هر دینی به نحو مخصوص ناسازگار است. مذهبی نیست که طریق مدارا بپیماید [...] من می‌دانم که بیچاره مسلمان‌ها در راه رسیدن [به] ترقی و تمدن تمام ابواب تحقیق فلسفی و علمی بر روی آنها مسدود است. با چه مشکلات و مصائبی مواجه هستند. من می‌دانم که یک مسلمان مؤمن حقیقی باید از تحقیق و تدقیق مسائل علمی که تمام اروپا امروز در آن کار می‌کند، خودداری نماید. چون که مانند گاوی که به خیش بسته شده، او نیز عبد و عبید شریعت است و بر او لازم و فرض است که فقط به همان طریق که شارع مقدس او نشان داده است، تعقیب نماید» (حلبی، ۲۵۳۶، ضمیمه، ۲۹). سیدجمال درباره‌ی مطلب دوم رنان می‌نویسد: «تصدیق دارم که اعراب، فلسفه را از یونانیان آموختند. همان‌طور که از ایرانیان نیز آنچه را در قدیم الایام اسباب شهرت و افتخار این ملت بوده، اخذ کردند؛ ولی این علوم را که اعراب بر حسب حق غالب است، مهر تملک بر آنها زده بودند، بر وسعت و دائره‌ی آن افزوده و با تصرفات خود تصریح و تکمیل نموده و با یک دنیا ذوق و مهارت و با صحت و دقت نادری آنها را مرتب ساختند» (حلبی، ۲۵۳۶، ضمیمه، ۳۱-۳۰).

چنان که پیداست، بر خلاف انتظار محافل اسلامی که انتظار داشتند سیدجمال پاسخی تند و آتشین به رنان بدهد، او چنین نکرده و حتی به گونه‌ای پاسخ داده که موجب تعجب برخی از دوستاران او شده بود. با این حال، بعضی از پژوهشگران که در خصوص چند و چون پاسخ سیدجمال تأمل کرده اند، معتقدند که وی در ردیه‌ی خود صرفاً غریبان را مخاطب قرار می‌دهد و سعی دارد بیانش در عین انتقاد و رد سخنان رنان، مطابق سلیقه‌ی غریبان و درخور توجه آنان باشد. این کوشش نه فقط در صورت ظاهری نامه، که از لحاظ سبک نگارش دیده می‌شود، بلکه در واقع سیدجمال الدین محتوای نامه‌ی خود و روش استدلالش را نیز نزدیک به فکر حاکم در غرب در آن عصر ساخته است (مجتهدی، ۱۳۶۲، ۷۴).

یک روز پس از چاپ «جوایبه‌ی سیدجمال در روزنامه‌ی مباحثات، ارنست رنان اقدام به پاسخ‌گویی به سیدجمال کرد. این تنها پاسخی بود که رنان در پاسخ به منتقدان خود نوشت. وی در پاسخ خود، از سیدجمال با احترام سخن گفته و از شخصیت علمی و سوابق او ستایش کرده بود. رنان درباره‌ی سیدجمال می‌نویسد: «شیخ جمال الدین افغانی به کلی از موهومات اسلام بری و از هم نژادان توانای ایران علیا است که در مجاورت هند واقع و هنوز روح آرایبی در آنجا در پس ابر نورافشان است [...] افکار آزاد و صفات و خصایل نیکو و راستی شیخ جمال الدین باعث شد که در موقع صحبت و مکالمه‌ی با وی چنان در نظرم مجسم شد که گویی یکی از آشنایان قدیم خود ابوعلی سینا و یا ابن رشد... قرار گرفته باشم.» رنان بعد از تمجید از سیدجمال، به مسئله‌ی مورد اختلاف خود با سید در خصوص نقش اعراب و اسلام در تمدن اسلامی می‌پردازد و می‌نویسد: «البته معلوم است ما بهره‌ی روم و یا بهره‌ی عرب را در تاریخ تمدن تکذیب نمی‌کنیم، ولی این جریانات بزرگ باید یکایک مورد دقت و تفکیک قرار گیرد. تمام کتاب‌هایی را که به لاتین نوشته شده، نمی‌توان محصول روم دانست. هر آنچه به زبان عربی نوشته شده، نمی‌توان نتیجه‌ی فکر عرب حساب نمود. آنچه در ممالک مسیحی ساخته شده، نمی‌توان از تأثیرات دین مسیح دانست و آنچه هم در ممالک اسلام به ظهور آمده، نمی‌توان میوه‌ی شجره‌ی اسلام نامید» (حلبی، ۲۵۳۶، ضمیمه، ۲۳). رنان در ادامه بر موضع خود پافشاری می‌کند و می‌نویسد: «من یقین دارم که رستخیز ممالک اسلامی از طریق اسلام نخواهد بود و برعکس همان‌طور که ترقی ممالک مسیحی با انهدام اقتدار جابرانه‌ی



روحانی کلیسا در قرون وسطی شروع شد، همان‌طور هم ترقی ممالک اسلامی فقط از طریق ضعف اسلام است و بس. هر چه اسلام ضعیف تر بشود، ترقی ممالک مذکور بیشتر و زودتر خواهد بود». رنان در پایان یک بار دیگر به هم نظری خود با سید اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مقصود من در کنفرانس خود فقط صحبت از یک مسئله‌ی تاریخی بود. گفته‌های خود شیخ جمال الدین هم سند محکمی است برای تأیید دو مسئله‌ای که من می‌خواستم ثابت کنم. یکی آنکه اسلام در نیمه‌ی اول خود مانع ترقی علوم در ممالک اسلامی نبود و در نیمه‌ی دوم علم و معرفت را ریشه کن نمود و در حقیقت تیشه به ریشه‌ی خود زد» (حلبی، ۲۵۳۶، ضمیمه، ۴۷).

## ۲. ردیه‌ی نامق کمال

نامق کمال یکی از متفکران دوران متأخر عثمانی و از نمایندگان شاخص اسلام‌گرا در دوره‌ی سلطان عبدالحمید بود. او با علوم و معارف اسلامی آشنایی خوبی داشت و زبان‌های عربی و فارسی را نیز می‌دانست. بعد از تبعید به اروپا، با فرهنگ و تمدن مغرب زمین از نزدیک آشنا شد و زبان فرانسه را به خوبی فرا گرفت. از او کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی باقی مانده است. وی در عصر خود از متفکران تأثیرگذار در عثمانی به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup> یکی از آثار معروف نامق کمال، با نام *رنان مدافعه نامه‌سی*، اثری است در رد نظریات ارنست رنان. از نامه‌های به‌جا مانده از نامق کمال، می‌توان دریافت که وی درست سه ماه بعد از انتشار خطابه‌ی رنان، اقدام به نوشتن ردیه کرده بود. اگرچه ردیه‌ی او در زمره‌ی نخستین ردیه‌ها به حساب می‌آید، با این حال، حدود بیست سال بعد از مرگ او منتشر شد.<sup>۲</sup>

نامق کمال بعد از بحث و نقد تفصیلی نظرات رنان، به جمع بندی و نتیجه گیری از بحث خود می‌پردازد و می‌نویسد:

۱. اسلام مبین، دین منطق و استدلال است. از این رو مخالفان خود را به

۱ درباره‌ی نامق کمال، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی به زبان انگلیسی و ترکی نوشته شده است. در زبان فارسی، اثر مهمی درباره‌ی او نیست. رحیم رئیس نیا در اثر خود، بیشتر به جنبه‌های ادبی زندگی نامق کمال پرداخته است. (نک: رئیس نیا، ۱۳۷۴، ۲، ۱۳۸-۱۳۱).

۲ این اثر، نخستین بار، در سال ۱۳۲۶ق (۱۹۰۸م) در استانبول منتشر شد. بعد از آن، سه بار دیگر منتشر شده است. مهم‌ترین چاپ آن به کوشش فؤاد کوپرولو منتشر شده است (نک: فهرست منابع).

بحث و ارائه‌ی دلیل فرا می‌خواند. آیه‌ی «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» شاهده‌ی است بر عقلانی بودن دین اسلام. بنابراین اسلام با عقل و علم هیچ مخالفتی ندارد.

۲. اسلام نه به نفی علم پرداخت، و نه در برابر پیشرفت علوم و معارف از بین رفت. اگر رنان با تنی چند از عالمان مسلمان به بحث می‌پرداخت، به بطلان عقایدش آگاهی می‌یافت.

۳. در افکار و نظرات رنان، تناقض آشکار دیده می‌شود. او در حالی که اسلام را برای افکار بشر زیان بار و مضر می‌داند، در جایی از احساس تعلق درونی به اسلام در هنگام ورود به آستانه‌ی مساجد مسلمانان، سخن می‌گوید.

۴. رنان، چنان که خود اشاره کرده، اروپا در دوره‌ی قرون وسطی در تاریکی و جهل به سر می‌برد؛ حال اگر اروپا توانست با اخذ علوم از جهان اسلام، خود را از تاریکی برهاند، چرا نپذیریم که این بار مسلمانان با اخذ علوم و فنون از اروپا، بتوانند از عقب ماندگی رها شوند. درست بر عکس اروپا که در آنجا کشیشان عزمشان را بر محو افکار و اندیشه‌های بشری جزم کرده بودند، در جهان اسلام، علما و متفکران در رشد و تعالی افکار بشری کوشش بسیار مبذول کرده بودند (Kemal, 1962, 54-58).

نامق کمال، در ادامه‌ی بحث‌های خود، رنان را به داشتن «معلومات کاذبه و تحقیقات ناقصه» متهم می‌کند و می‌گوید: «چنین حرف‌هایی علیه اسلام جز داشتن کینه و نفرت نسبت به اسلام و مسلمانان چیز دیگری نیست» (Ciindioğlu, 1996, 6). پاسخ تند و صریح نامق کمال، به رنان؛ نشان از تعصب او به دین اسلام است. همین امر موجب شده‌است برخی محققان، نظیر عثمان جیل آجی، در مقایسه‌ی جواب نامق کمال با سیدجمال، پاسخ کمال را «تعرضی و جدلی»، و پاسخ سیدجمال را «مصالحه جویانه و غیر جدلی» توصیف کنند. از دید جیل آجی، «جواب نامق کمال که با زبانی تحقیر آمیز به نگارش در آمده، نشان دهنده‌ی تعصب دینی اوست. در حالی که جواب سیدجمال با لحنی مؤدبانه و مدارا جویانه و ماکیاولیستی است» (Cilaci, 1996, 190).

با اینکه نامق کمال در ردیه‌ی خود کوشیده بود پاسخی علمی و همه جانبه به ادعاهای رنان بدهد، با این حال، برخی مطالب تند و متعصبانه‌ی او، موجب شد تا برخی

از پژوهشگران ترک، نظیر فوزیه تانسل و عدنان آدی وار، ردیه‌ی او را «ضعیف و پراز خطا و اشتباه» توصیف کنند. همچنین، نیازی برکس نیز جواب نامق کمال را آکنده از تعصب، توصیف کرده است (Cüendioğlu, 1996, 46).

### ۳. ردیه‌ی عطاءالله بایزید اوف

خطابه‌ی رنان در همان سال ۱۸۸۳م، از طرف آلکسی ودرُف به زبان روسی ترجمه شد. کمی بعد از انتشار آن، مفتی بزرگ و امام مسجد پترزبورگ، عطاءالله بایزید اوف، اقدام به نوشتن ردیه‌ای بر آن کرد. وی از مسلمانان تاتار قازان کریمه بود. وی در مدرسه‌ی زبان‌های شرقی پترزبورگ نیز تدریس می‌کرد. وی از آثاری که به زبان روسی علیه مسیحیت نوشته شده بود، آگاهی کافی داشت. او نخستین هفته نامه به زبان تاتاری قازانی به نام نور را در پترزبورگ منتشر کرد. این نشریه با مشی محافظه کارانه تا سال ۱۹۱۴م، منتشر می‌شد (رئیس‌نیا، ۱۳۸۷، ۷۱). بایزید اوف سرانجام پس از سال‌ها کوشش‌های علمی و اجرایی در ۱۳۲۷ق درگذشت.

مهم‌ترین اثری که موجب شهرت بایزید اوف شد، تألیف رساله‌ای بود که در رد ادعاهای رنان نوشت. این رساله بعد از انتشار در پترزبورگ (۱۸۸۳م)، برای احمد مدحت افندی به استانبول ارسال شد. او بعد از مطالعه‌ی این رساله، آن را «اثری حقیقتاً پر حکمت و معتبر» توصیف کرد و سپس برای ترجمه‌ی آن به ترکی اقدام نمود. این اثر توسط احمد جودت و الگا دُلبدووا به ترکی ترجمه و ابتدا در روزنامه‌ی ترجمان حکمت، و سپس به صورت مستقل با عنوان رد رنان: اسلام و فنون، دو بار در ۱۳۰۸ق و ۱۳۱۱ق در استانبول منتشر شد (Cüendioğlu, 1996, 48). این دو، در سال ۱۳۰۸ق، رساله‌ی دیگری از بایزید اوف را به نام اسلامیتین معارفه تعلق و نظر معارضنده تبیین، به ترکی ترجمه کردند. هر دو رساله‌ی مزبور، در سال ۱۹۹۳م، از سوی ابراهیم اورال با حروف لاتین و با عنوان اسلام و مدنیت در آنکارا منتشر گردید.

رساله‌ی نخست بایزید اوف از سوی دو پژوهشگر ترک، عدنان آدی وار و جمیل آیدین، که نظری مغایر یکدیگر دارند، مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که آدی وار رساله‌ی مزبور را فاقد اهمیت توصیف کرده؛ آیدین، لحن آن را مؤدبانه و محتوای آن را قابل اعتنا دانسته است. از دید او، بایزید اوف با اشاره به اینکه در اسلام، علم کلام

جای مهمی در عقلانی کردن اعتقادات دینی داشته، خود نشان دهنده‌ی عقلانی بودن اسلام بوده‌است و لذا اسلام با علوم جدید هیچ تضاد و منافاتی ندارد. از دید آیدین رديه‌ی مذکور در میان دیگر رديه‌ها، اثری است دقیق و اصیل (Cüendioğlu, 1996, 49).<sup>۱</sup>

#### ۴. رديه‌ی ابن الرشاد علی فروخ

بعد از چارلز میسمر و سیدجمال و نامق کمال و بایزید اوف، یک عالم جوان اهل عثمانی به نام ابن الرشاد، پنجمین فردی بود که درصدد پاسخ دادن به ادعاهای رنان برآمد. او اقدام به نوشتن رساله‌ای با عنوان *تشریح اباطل* (استانبول ۱۳۰۶ق) نمود. علی فروخ فرزند یکی از ادبای عثمانی، از رجال ملکیه و والی قدس، یعنی رشاد پاشا بود. در ۱۸۶۵م، (۱۲۸۲ق) در استانبول به دنیا آمد. بعد از تکمیل تحصیلات خود در مدرسه‌ی فرانسوی بیروت در ۱۸۸۲م، از بخش تحصیلات خالیه‌ی ملکیه فارغ التحصیل شد. در ۱۸۸۳م، به پاریس رفت و در مدرسه‌ی علوم سیاسی آن شهر در رشته‌ی علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۸۸۴م، وارد خدمات دولتی در عثمانی شد. سپس در سال‌های بعد، بارها به عنوان منشی سفارت عثمانی در پاریس، لندن، پترزبورگ، بلغارستان و واشنگتن به خدمت پرداخت. وی در سن جوانی در صوفیه در سال ۱۹۰۴م درگذشت. ابن الرشاد به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی تسلط داشت و با زبان فارسی نیز آشنا بود. در طول زندگی خود به ادبیات، تاریخ و سیاست پرداخت. آثار زیادی به نظم و نثر نوشت. ده اثر او به چاپ رسیده و چندین اثر دیگرش، چاپ نشده باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین آثار وی، رساله‌ای است با عنوان *تشریح اباطیل* که چهار سال بعد از انتشار خطابه‌ی رنان در رد ادعاهای او نوشت و در ۱۳۰۶ق در استانبول منتشر کرد. ابن الرشاد در مقدمه‌ای با عنوان «سبب مجادله‌ی ما»، از رساله‌ی خود با عنوان *مکتوب*، یاد کرده و برای اصلاح خطاهای تاریخی رنان دست به قلم برده است. گفتنی است که برخی فقرات نوشته‌ی او در روزنامه‌ی *ولتر* به سردبیری موسیو ریموند در پاریس منتشر شد. ابن الرشاد در ۲۴ نیسان ۱۸۸۷م، (در ۲۲ سالگی) رساله‌ی مزبور را شروع و در شباط ۱۸۸۸م، (در ۲۳ سالگی)، در حالی که سمت دبیر سومی سفارت

۱ رساله‌ی بایزید اوف همانند رديه‌های دیگر، هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده و متأسفانه دسترسی به اصل آن نیز امکان پذیر نیست.

عثمانی در پاریس را داشته، آن را تکمیل کرده است. وی در سومین سال خدمت خود در سمت فوق، اقدام به چاپ رساله‌ی مزبور در استانبول کرد. نقدهای ابن‌الرشاد تند و توأم با استهزاء است. او به دلیل برداشت‌های نادرست از برخی سخنان رنان، به نقد ضعیف آنها پرداخته و در برخی موارد هم بی دلیل نقد خود را طول و تفصیل داده و از موضوع خارج شده است. رساله‌ی تشریح *اباطل*، همانند رذیه‌های دیگر چندان شناخته نشد و لذا نه تجدید چاپ شد و نه از سوی کسی مورد نقد و بررسی قرار گرفت (Cüendioğlu, 1996, 49-51).

### ۵. رذیه‌ی سید امیر علی

ادعاهای مناقشه برانگیزی که رنان در خطابه‌ی «اسلام و علم» مطرح کرد، بعد از مرگ او نیز مورد نقد و رد قرار گرفت. سید امیر علی، یکی از علمای جهان اسلام بود که بعد از مرگ رنان در مقام پاسخ گفتن به او برآمد. وی خیلی زودتر از دیگر اندیشه‌گران جهان اسلام به پژوهش درباره‌ی اسلام و علم پرداخته بود. او پژوهش‌های خود را در قالب کتابی با عنوان *روح اسلام (The Spirit of Islam)* در ۱۸۹۱م، در کلکته منتشر کرد. وی در بخش مربوط به «ادبیات و علوم اسلامی» به خدمات مسلمانان به علم و دانش در طول تاریخ پرداخته بود. او که بعدها (۱۹۰۱م) از طریق مطالعه‌ی مقاله‌ای، از خطابه‌ی رنان و ادعاهای او آگاهی یافته بود، در چاپ مجدد کتاب خود، در مقام پاسخ‌گویی به ادعاهای رنان برآمد.

از دید سید امیر علی، رنان در خطابه‌ی خود تلاش کرده با نشان دادن تضاد میان اسلام و علم، به تضعیف اسلام بپردازد. از دید او، از کسی که درباره‌ی ابن رشد و مکتب او تحقیق کرده و به درجه‌ی دکتری نایل شده، بعید است که چنین سخنان بی‌پروایی درباره‌ی اسلام به زبان آورد. در واقع، رنان با تعمیم‌های نابجای خود، تلاش کرده تا جوامع اسلامی را جاهل و غرق در تعصب دینی توصیف کند و به این طریق، مخاطبین خود را نسبت به دین اسلام بدبین سازد.

از دید سید امیر علی، بزرگ‌ترین ضعف دانشمندان اروپایی این است که وضعیت کاملاً درمانده‌ی فعلی جهان اسلام را با وضعیت بسیار پیشرفته‌ی جوامع مسیحی مقایسه کرده و نتایج غیر معمول گرفته‌اند. سید امیر علی در پاسخ به این ادعای رنان که گفته بود: «در

جهان اسلام بجز کندی، دیگر هیچ فیلسوف عرب وجود نداشته»، نام شماری از فیلسوفان عرب را فهرست کرده تا نادرستی ادعای او را اثبات کند (Cüendioğlu, 1996, 51-52).<sup>۱</sup>

## ۶. ردیه‌ی جلال نوری

جلال نوری (۱۹۳۹-۱۸۷۷م) سومین اندیشه‌گر عثمانی بود که اقدام به نوشتن ردیه علیه رنان کرد. وی در سال ۱۹۱۸م در نشریه‌ی ادبیات عمومی مجموعه‌سی ردیه‌ای نوشت با عنوان «آیا اسلام مانع ترقی است؟» از دید نوری، بدون شک رنان از بزرگ‌ترین فیلسوفان و مورخان عصر خود به شمار می‌آمد. ردیه‌ی نوری متأسفانه ناقص ماند، ولی با این حال، در میان دیگر ردیه‌ها جدی‌ترین و قابل تأمل‌ترین ردیه‌ای است که بر خطابه‌ی رنان نوشته شده است (Cüendioğlu, 1996, 52). با این حال، ردیه‌ی او چندان مورد توجه قرار نگرفت و لذا پژوهشگران به نقد و بررسی آن نپرداختند (Nuri, 2002, 241-261).<sup>۲</sup>

از دید جلال نوری، اسلام با مسیحیت تفاوت دارد. اسلام توانست با جذب اقوام و ملیت‌های مختلف به اسلام، آنها را در یک پیکره‌ی واحد دینی متحد سازد و امت واحده‌ای بسازد. این مهم نیست که علما و دانشمندان مسلمانان از نژاد و تبار عرب نبودند، چنان که رنان مدعی شده است؛ مهم این است که این علما در چه بستر و زمینه‌ای رشد و پرورش یافتند. آیا جز در بستری که اسلام زمینه ساز آن شده بود؟ (Nuri, 2002, 243).

از دید جلال نوری، یکی از علل عقب ماندگی و ضعف فعلی جهان اسلام، ناشی از تعدی و تجاوز دشمنان به قلمرو اسلام و در رأس آن دشمنان صلیبی اروپا است. ضربه‌های مکرری که از سوی صلیبیون اروپایی بر پیکر ملت‌های مسلمان وارد شد، باعث گردید که مسلمانان نتوانند به رشد و پیشرفت خود ادامه بدهند. درگیر شدن مسلمانان در جنگ‌های تحمیل شده از سوی دشمنان خارجی، موجب شد که آسایش و امنیت برای دهه‌های متمادی از بین برود. قتل و کشتارهای متعدد و تغییرات مداوم حکومت‌ها، چنان شیرازه‌ی جوامع اسلامی را از هم گسیخت، که در نتیجه، رشد و پیشرفت علوم و صنایع، و تعالی افکار و اندیشه‌ها دچار وقفه‌های جدی شد (Nuri, 2002, 244).

۱ شایان ذکر است که کتاب سید امیر علی در سال ۱۳۴۱ ق، از سوی عمر رضا طغرل به ترکی عثمانی، ترجمه و در استانبول به چاپ رسید. همین اثر، بعدها از سوی مصطفی تان با حروف لاتین در ۱۹۷۹م، در استانبول منتشر شد.  
۲ گفتنی است که ردیه‌ی جلال نوری، شش سال بعد از انتشار مقاله‌ی جوندی اوغلو، توسط علی ارطغرل با حروف لاتین همراه با مقدمه‌ای، منتشر شده است (نک: فهرست منابع).

از دید جلال نوری، اگر اسلام با علم و دانش تضاد و منافات داشت، در سرزمین‌هایی که اسلام در آنجا گسترش یافت، نمی‌بایستی علم و دانش پدید می‌آمد و گسترش می‌یافت. مسلمانان در تاریخ فلسفه و علم نقش مهمی ایفاء کردند، آنها علوم یونانی را به مدت هفت-هشت سده، ترجمه و تفسیر کردند و تعالی دادند و بعد به غرب رساندند (Nuri, 2002, 252).

## ۷. ردیه‌ی رشید رضا

یکی دیگر از کسانی که بر خطابه‌ی رنان ردیه نوشت، سید رشید رضا، مؤلف *تفسیر المنار*، بود. انگیزه‌ی او در نوشتن ردیه، مباحثی بود که از جانب مصطفی عبدالرزاق در کنفرانس «رنان و سیدجمال الدین» در سال ۱۹۲۳م، در دانشگاه قاهره مطرح شده بود. رشید رضا که از آراء و اندیشه‌های رنان آگاهی کافی داشت، ضمن اشاره به برخی فقرات سخنرانی شیخ مصطفی عبدالرزاق، به رد آن بخش از سخنان او که مدعی همنوایی سیدجمال با رنان شده بود، پرداخت؛ و لذا شخصیت سیدجمال را بری از تأیید دیدگاه‌های رنان دانست. همچنین وی در پایان مقاله‌ی مفصلی که در رد نظرات عبدالرزاق نوشت، فصلی را به «الرد علی رنان» اختصاص داد و به رد ادعاهای رنان پرداخت. سخنرانی عبدالرزاق که به‌مناسبت صدمین سال تولد رنان در کنفرانس ۲۰ مارس ۱۹۲۳م، در «دارالجمعة المصریه» ارائه کرده بود، در ۲۲ مارس ۱۹۲۳م، در روزنامه‌ی *السیاسیه* (۱۲۴-۱۲۳) منتشر شد. مصطفی عبدالرزاق در سخنرانی خود در کنفرانس یاد شده، فقرات مهم ردیه‌ی سیدجمال را مطرح کرده و به تحلیل آن پرداخته بود. او اظهار کرده بود که این سخنان سیدجمال با آرای که او پیشتر در رد فلسفه‌ی نیچری اظهار داشته است، منافات دارد. لذا به این نتیجه رسیده بود که سیدجمال بعد از رفتن به اروپا، دگرگونی مهمی در نظام فکریش پدید آمد، زیرا اگر کسی دشمنی با دین نمی‌داشت، ممکن نبود در پاسخ به رنان چنین مطالبی به قلم آورد (Cündioğlu, 1996, 54). عبدالرزاق بعد از ارائه‌ی چنین تجزیه و تحلیلی از پاسخ سیدجمال به رنان و جواب رنان به او، چنین نتیجه می‌گیرد که رنان در جوابیه‌ی خود، به تأیید سیدجمال پرداخته است. به ویژه در این زمینه که اسلام در نیمه‌ی اول عمر خود به رشد و تعالی علم کمک نمود، اما در نیمه‌ی دوم به ستیز و مقابله با علم پرداخت. عبدالرزاق می‌گوید چنین سخنان آشکاری در تقابل اسلام با علم، به هیچ وجه توجیه پذیر نیست؛ و لذا نتیجه می‌گیرد که سید با آراء رنان همنوایی نداشته است.

سید رشید رضا که سخنرانی عبدالرزاق در کنفرانس مزبور را به دقت دنبال می‌کرده، از سخنان او چنان دچار حیرت و تعجب شده که بلافاصله روز بعد از انتشار متن سخنرانی عبدالرزاق، با نوشتن مقاله‌ای تند و آتشین در *الاهرام* به رد نظرات او پرداخته است. وی سپس این مقاله و نیز مقاله‌ی مفصل دیگری را که در رد نظرات عبدالرزاق نوشته بود، در مجله‌ی *المنار* منتشر می‌کند. رشید رضا سپس مقاله‌ی منتشر شده در *الاهرام* و *المنار* را با تفصیل و توضیحات بیشتر با عنوان «کلمه المنار فی المحاضرات» در چهار شماره‌ی پیاپی در *المنار* منتشر می‌کند. رشید رضا بر این باور بود که عبدالرزاق به متن پاسخی از سیدجمال استناد کرده که بعد از چند بار ترجمه از زبان‌های مختلف، در نهایت به عربی در آمده است؛ چنان که او می‌گوید جواب سیدجمال ابتدا از عربی به فرانسه و سپس از فرانسه به آلمانی و بعد از آلمانی به عربی ترجمه شده بود. بنابراین، احتمال بروز تغییر در محتوای متنی که چند بار از این زبان به آن زبان ترجمه شده، وجود داشته است. رشید رضا، عبدالرزاق را با یک پرسش اساسی مواجه می‌سازد و آن اینکه آیا وضعیت موجود جهان اسلام، ناشی از خود اسلام است یا کسانی که به اسلام ایمان دارند؟ و یا ناشی از عدم درک صحیح اسلام از سوی مسلمانان است؟ رشید رضا معتقد است که باید میان کسانی که درک نادرستی از اسلام دارند و لذا دشمن عقل و علم و مدنیت هستند، با اصل اسلام، و اسلام قرآن تفاوت و تمایز قائل شد.

رشید رضا در ادامه، در دفاع از سیدجمال می‌گوید کسانی که می‌خواهند درباره‌ی تأثیر اسلام بر اصلاح وضع بشریت آگاهی یابند، به اندیشه‌های سیدجمال در مقاله‌هایی که در *عروة الوثقی* منتشر شده، مراجعه کنند. همچنین، به رساله‌ی رد بر فلسفه‌ی نیچریه رجوع کنند، تا بدون واسطه، از آراء حقیقی سیدجمال آگاهی یابند. رشید رضا در ادامه‌ی دفاع از سیدجمال، اقدام به نوشتن مقاله‌ای با عنوان «الدفاع عن سیدجمال الدین» کرد و به دفاع سرسختانه از او پرداخت (Cündioğlu, 1996, 55).

### نتیجه

ارنست رنان، با ایراد خطابه‌ی بحث برانگیز خود، که چند محور عمده داشت، اسلام را دینی ناسازگار با علم و پیشرفت دانست و منشأ پیشرفت‌های مسلمانان در قرون نخستین اسلامی را نه نشأت گرفته از آموزه‌های اسلامی، بلکه ناشی از تأثیرپذیری مسلمانان از



فرهنگ و تمدن ساسانی، رومی، حرّانی و نسطوری دانست. او حتی به تفکیک اقوام مسلمان از هم پرداخت و بجز ایرانیان، عرب‌ها و ترک‌ها را بیگانه از علم و دانش توصیف کرد. ادعاهایی که ارنست رنان در خطابه اش مطرح کرد، بلافاصله با واکنش برخی خاور شناسان، نظیر لوئی ماسینیون و چارلز میسر، مواجه شد. انتشار خطابه‌ی رنان به عربی و دیگر زبان‌های اسلامی، موجب برانگیخته شدن متفکران جهان اسلام شد. اندیشه‌گران مسلمان، هر یک از دیدگاه خود به نقد و رد ادعاهای رنان پرداختند. اما در میان همه‌ی ردیه‌ها، نقد سیدجمال بر رنان، خود به یک مسئله‌ی مناقشه برانگیز دیگر تبدیل شد. اینکه آیا سیدجمال در نقد خود، با رنان هم‌نوایی کرده است یا نه، به بحث‌های فکری و مجادله‌های قلمی جدی، تبدیل شد. یک نمونه‌ی بارز آن، بحثی بود که میان رشید رضا و مصطفی عبدالرزاق در مصر در گرفت. به هر روی، انتشار نقد سیدجمال، فارغ از ماهیت موضع‌گیری آن نسبت به تفکر رنان، خود اسباب خیری شد برای متفکران جهان اسلام، که از خمودی درآیند و در دفاع از اسلام، در برابر غرب سلطه‌گر، با سلاح قلم به میدان آیند. حاصل این حرکت میمون، که کم و بیش، افزون بر یک سده ادامه یافت، تألیف و انتشار آثار ارزشمندی در حوزه‌ی اسلام و علم بود. در کشورهای مختلف اسلامی، از مصر و عثمانی تا ایران و پاکستان و هند، کتاب‌ها و رساله‌های متعددی درباره‌ی نسبت میان اسلام و علم، به نگارش درآمد. در مقاله‌ی حاضر، ضمن بررسی و بازشناسی ردیه‌های متفکران جهان اسلام، به نمونه‌هایی از آثار یاد شده نیز اشاره شده است.

## منابع

- حلبی، علی اصغر، زندگی و سفرهای سیدجمال الدین اسدآبادی، با شرح و نقد رساله‌ی نیچریه، به ضمیمه‌ی مقاله‌ی «اسلام و علم»، نوشته‌ی ارنست رنان؛ ترجمه‌ی محمد علی جمال زاده، تهران، انتشارات زوآر، ۲۵۳۶. (این اثر در سال ۱۳۸۳ با حذف ضمیمه که متن کامل خطابه‌ی رنان و جواب سیدجمال به اوست، مجدداً به چاپ رسیده است).
- خسروشاهی، سید هادی (به کوشش)، گفتار سیدجمال الدین اسدآبادی و ارنست رنان درباره‌ی اسلام و علم، تبریز، [بی نا]، ۱۳۴۸.
- رئیس نیا، رحیم، ایران و عثمانی در آستانه‌ی قرن بیستم، تبریز، انتشارات ستوده، تهران، ۱۳۷۴.

- جنبش جدیدیه در تاتارستان، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۷.
- رنان، ارنست، *درباره‌ی علوم عربی و هنر اسلامی*، ترجمه‌ی رامین کامران، *ایران شناسی*، س ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۶۸.
- سحاب، ابوالقاسم، *فرهنگ خاورشناسان*، تهران، سحاب، ۲۵۳۶.
- عنایت، حمید، *سیری در اندیشه‌ی سیاسی عرب از حمله‌ی ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- مجتهدی، کریم، *سیدجمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید*، تهران، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۲.
- مدرسی چهاردهی، مرتضی، *سیدجمال الدین و اندیشه‌های او*، تهران، انتشارات کتاب‌های پرستو، ۲۵۳۶.
- Dücane Cündioğlu, **Ernest Renan ve "reddiyeler" bağlamında İslam-bilim tartışmalarına bibliyografik bir katkı**, Divan İlmi Araştırmalar bilim Sanat Vakfı, , Sayı, 2, İstanbul, 1996.
- Dücane Cündioğlu, **XIX. Yüzyılım Sonlarından İtibaren "İslam Mani-i Terrakkidir" Tartışmaları, Bir Kaynakça Denemesi**, Düşünce Dergisi, Sayı 19, Temmuz 2004.
- Namik Kemal, **Renan Müdafaaanesi (İslamiyet ve Maarif)**, Yayınlayan: Prof. M. Fuad Köprülü, Ankara: 1962.
- Osman Cilaci, **Ernest Renan'a Karşı Türk-İslam Dünyasında Reaksiyonlar**, Süleyman Demirel Üniversitesi İlahiyat Fakültesi, 1996, sayı: 2.
- Celal Nuri, **İslamiyet Mani'i Terakki Midir?** Yayına hazırlayan: Ali Ertuğrul, tabula rasa—felsefe&teoloji-issn 1302-8898 yıl:2 Sayı,5 mayıs-ağustos 2002, Isparta/Türkiy.
- Juan R. i. Cole, **New Prespectives on Sayyid Jamal al-Din al-Afgani in Egypt**, Iran and Beyond, Essays in Middle Eastern History of Nikki R. Keddie (ed), Rudi Matthee and Beth Baron, Mazda Publishers. 2000.
- Berkes, Niyazi, **Türkiye'de çağdaslaşma, yay. haz: Kuyas, Isatanbul, YKY, 2004.**
- Berkes, Niyazi, **The Development of Secularism in Turkey**, Montreal: McGill University Press, 1964.
- Keddie, N. R. Afgani, Encyclopaedia Iranica, Vol. I.